

# فصل اول

## چارچوب تحقیق

## مقدمه‌ی تحقیق

در برنامه‌های کودک، اکثر شخصیت‌ها حیوان هستند. همیشه آقا کلاغه برای ما خبر می‌آورد و خورشید خانم هر روز صبح به ما سلام می‌کند.

دلیل اینکه اشیای بی‌جان و حیوانات را مانند انسان، ناطق می‌دانیم، جاندارپنداری است، همان خصوصیتی که پیاژه<sup>۱</sup> آن را آنیمیزم<sup>۲</sup> نام نهاده است. جاندارپنداری تمایلی است که ضمن آن کودک می‌کوشد به اشیای بی‌جان شعور بدهد و هر متحرکی را زنده تصور کند. بدون تردید جاندارپنداری پدیده‌ها و اشیای بی‌روح نوعی احساس خوشایند و رضایت‌مندی درونی را برای کودک به همراه دارد. برنامه‌سازان و فیلم‌سازان کودک، نویسندگان کودک و تولیدکنندگان اسباب‌بازی و خوراکی از این ویژگی کودکان به خوبی استفاده می‌کنند.

ادبیات کودک را زمانی باید ادبیات کودک خواند که با توجه خاص به کودک و صرفاً برای او خلق شده باشد. از آنجایی که کودک دارای ویژگی‌های ذهنی خاصی است، کتاب و سبکی که برای او نوشته می‌شود باید با طبیعت او در انطباق باشد. کلمات و ساختارهای جمله باید در خور فهم کودک باشد، زیرا وجود مفاهیم و مباحث خارج از درک او موجب ایجاد اختلال در برقراری ارتباط فکری مخاطب با اثر خواهد شد، که این امر از یکسو موجب کاهش جذابیت و گیرایی اثر می‌شود و از سوی دیگر تأثیرگذاری آن را با مشکل مواجه می‌کند (بلائی، ۱۳۷۹، ص ۹).

علم زبان‌شناسی با ساختارهایی که در درون خود دارد با ادبیات پیوند خورده و همین ویژگی باعث شده تا زبان ادبیات به راحتی در ذهن آدمیان متجلی یا قابل درک شود. این امر موهبتی از علم زبان‌شناسی است که در اختیار افراد قرار داده شده تا به کمک آن بتوانند با کودکان و دنیای زیبای آنها ارتباط برقرار کنند.

ادبیات حادثه‌ای است که در زبان اتفاق می‌افتد و زبان‌شناس کسی است که مطالعه‌ی علمی زبان را وجهه‌ی همت خود قرار داده است، از این رو می‌تواند از منظر خویش یعنی زبان‌شناسی به مطالعه‌ی ادبیات پردازد.

---

1. Jean William Fritz Piaget

2. Animism

زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی زبان است و از آنجا که ادبیات، محصولی از زبان تلقی می‌شود، می‌توان پیوند زبان‌شناسی و ادبیات را پیوندی استوار دانست. و نیز باید توجه داشت که زبان‌شناسی ابزاری علمی و کاربردی در اختیار دارد که می‌تواند با استفاده از این ابزار به تحلیل و بررسی متون ادبی به شیوه‌ای علمی بپردازد.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا از منظر زبان‌شناسی به مطالعه‌ی معنایی داستانهای کودک بپردازد. این پژوهش با عنوان « بررسی انواع جاندارپنداری در داستانهای کودک، گروه سنی (الف، ب، ج) » در ۵ فصل تدوین گردیده است. فصل اول به چارچوب تحقیق اختصاص یافته، فصل دوم مبانی نظری و عملی پژوهش را دربر می‌گیرد. فصل سوم به روش تحلیل داده‌ها می‌پردازد. فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده‌ها را در پی دارد. فصل پنجم نیز به پیشنهادات و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

ادبیات به اقتضای ماهیت خود قابلیت بررسی از دیدگاه علوم دیگر را دارد. دانش زبان‌شناسی نیز یکی از این علوم است. از آنجا که زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی زبان است و زبان تاروپود و ماده اولیه به وجود آورنده ادبیات است پس قاعدتاً زبان‌شناسی می‌تواند با مطالعات ادبی پیوند داشته باشد.

دیر زمانی نیست که علم زبان‌شناسی به کمک ادبیات آمده است و در بررسی ویژگی‌های ادبیات از آن استفاده می‌گردد. پیشرفت سریع دانش زبان‌شناسی در قرن حاضر امکاناتی جدید برای مطالعه زبان و ادبیات فراهم کرده است. حاصل پژوهش‌هایی از این دست در زمینه‌ی زبان به شکل مجموعه‌ای از دستورهای ساختاری در اختیار ماست و اگر چه استفاده از امکانات ساختگرایی<sup>۱</sup> اروپایی در زمینه‌ی ادبیات و بررسی ویژگی‌های آن گام‌های نخستین را می‌پیماید، بازده آن امروز نیز چشمگیر است.

## ۱-۱ معرفی موضوع

وجود انواع جاندارپنداری در داستانهای کودکان در گروه سنی ( الف )، ( ب ) و ( ج ) بررسی می‌شوند. جاندارپنداری خود به دو زیرگروه حیوان‌پنداری و گیاه‌پنداری تقسیم می‌گردد. حیوان‌پنداری خود شامل انسان‌پنداری و جانورپنداری است. در این پژوهش تمامی موارد ذکر شده، اعم از انسان-پنداری، حیوان‌پنداری و گیاه‌پنداری در داستانهای کودکان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

---

<sup>1</sup> Structuralism

## ۲-۱ اهمیت تحقیق

یکی از اهداف پژوهش حاضر این است که با کمک دستاوردهای زبان‌شناسی و طرح مسأله‌ی جاندارپنداری در داستانهای کودک، ظرافت‌های لفظی و معنایی موجود در اینگونه داستان‌ها بهتر نمایانده شود تا خواننده با علم به این مسأله بیشتر در جریان حال و هوای داستان قرار گرفته و با تجزیه و تحلیل اصول ادبی و زیباشناسانه‌ی آن از لذت و درک هنری داستان کودک بهره‌ی بیشتری ببرد و چشم اندازهای تازه‌ای برای نگرستن به ادبیات به دست آورد.

نسبت دادن هوشیاری به اشیاء و موجودات غیر جاندار، غالباً مورد علاقه‌ی کودکان می باشد. همچنین اندیشه و دنیای کودکان بسیار متفاوت از دنیای بزرگسالان است. در این پژوهش قصد بر آن است تا نشان داده شود که نویسندگان کتاب‌های کودک از ویژگی‌های سبکی خاصی برای برقراری ارتباط با کودکان استفاده می کنند که مورد علاقه آنان است و سبب جذب هر چه بیشتر کودکان به اینگونه کتابها و داستانها می‌شود. این ویژگی‌ها خاص کتابهای کودک می‌باشد، چرا که ظاهراً فقط کودکان هستند که به اشیاء بی‌جان نسبت زندگی و احساسات می‌دهند. در این پژوهش ویژگی سبکی که همان جاندارپنداری است، از این کتاب‌ها استخراج می‌شود.

تا آنجا که در تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویان بررسی کرده‌ام، تحقیقی خاص و بدین مضمون تا به حال صورت نپذیرفته است و همه پایان‌نامه‌ها به هنجارگریزی به صورت کلی پرداخته‌اند و یا هنجارگریزی معنایی را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده بودند و هیچکدام صرفاً مسأله‌ی جاندارپنداری را مورد تحقیق و بررسی قرار نداده است. بنابراین کمبود چنین تحقیقاتی در میان پژوهش‌های دیگر به چشم می‌خورد.

## ۳-۱ بیان مسأله

امروزه هیچ حوزه‌ای نیست که در مقابل با رشته‌های دیگر قرار نداشته باشد. برای تحلیل هر پدیده‌ای و با تبیین هر نظریه‌ای نیازمند توجه به رشته‌هایی هستیم که در تعامل با آن هستند و از این تعامل است که علوم بین رشته‌ای به وجود می‌آید. زبان‌شناسی ادبیات هم دانشی میان رشته‌ای است.

نظریه‌های عمده‌ی زبان‌شناسی شامل نظریه‌ی صورتگرایی<sup>۱</sup> و دستور گشتاری - زایشی<sup>۲</sup> چامسکی، نظریه‌ی نقش گرای<sup>۳</sup> یا کوبسن<sup>۴</sup> و دستورشناختی در تعامل با ادبیات هستند و در تحلیل و تأویل به حوزه ادبیات وارد می‌شوند.

برخی ادبیات را هنر کلامی یا هنجارگریزی و تصادف در زبان می‌دانند. در یک فرآیند ارتباطی در زبان‌شناسی، رمزگذار و رمزشکن هر دو از پیشینه‌ی پیام آگاهند. اما در ادبیات هر فرآیند ارتباطی صرف ارتباط و اطلاع‌رسانی مد نظر نیست و پیشینه‌ی پیام را نویسنده مطرح می‌کند و قابل پیش‌بینی نیست. چرا که نویسنده در بخش پیام و پیشینه آن دست به خلق و ابداع می‌زند.

این تحقیق قصد دارد تا با یاری گرفتن از علم زبان‌شناسی به بررسی یکی از انواع هنجارگریزی‌ها به نام جاندارپنداری در داستانهای کودک، بپردازد. نویسندگان کتاب‌های کودک با بهره‌گیری از این هنر زبانی، قصد در برجسته‌سازی آثار خود به منظور جذب هر چه بیشتر مخاطب دارند. تلاش شده است تا در این تحقیق تعداد ۸۳ داستان کودک در گروه سنی الف، ب، ج به دقت مطالعه و بررسی شوند و در نتیجه بیشترین میزان جاندارپنداری و همچنین پرکاربردترین نوع آن ارائه گردند.

لازم به ذکر است رده بندی سنی کتاب های داستان کودک به الف ، ب ، ج ، بر اساس زیر است :

- گروه سنی الف : سال های قبل از دبستان

- گروه سنی ب : سال های آغاز دبستان ( کلاس اول ، دوم ، سوم )

- گروه سنی ج : سال های پایان دبستان ( کلاس چهارم و پنجم )

#### ۴-۱ سوالات تحقیق

- ۱- بیشترین میزان جاندارپنداری در کدام گروه سنی به چشم می‌خورد؟
- ۲- در داستان‌های کودک، کدام نوع جاندارپنداری از بسامد وقوع بیشتری برخوردار است؟

---

<sup>1</sup> Formalism

<sup>2</sup> Transformational-Generative

<sup>3</sup> Functionalism

<sup>4</sup> R. Jakobson

## ۵-۱ فرضیه‌های تحقیق

- ۱- فرض بر این است که بیشترین میزان جاندارپنداری در گروه سنی ( الف ) دیده شود.
- ۲- به نظر می‌رسد که در داستانهای کودک، انسان‌پنداری در مقایسه با حیوان‌پنداری و گیاه‌پنداری پرکاربردترین، باشد .

## ۶-۱ محدودیت‌های تحقیق

این تحقیق همانند بسیاری از تحقیق‌ها و پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی رو به رو خواهد بود . مهمترین محدودیتی که فکر می‌کنم به عنوان یک عامل تأثیرگذار می‌توان از آن یاد کرد کمبود منابع عملی و نظری صرف در زمینه جاندارپنداری در داستانهای کودک، خصوصاً در خارج از ایران باشند. همچنین از میان داستان‌های کثیری که برای کودکان نوشته و چاپ شده تنها به مطالعه و بررسی دقیق چندین کتاب پرداخته خواهد شد .

## ۷-۱ جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری در این پژوهش تعداد ۸۳ داستان کودک در گروه سنی الف ، ب ، ج می‌باشد که قرار است به دقت مطالعه و بررسی شوند تا میزان وقوع انواع جاندارپنداری در آنها مشخص گردد. این کتابها حاصل گزینش تصادفی از میان بیشمار کتاب کودک است.

## ۸-۱ تعریف واژه‌های کلیدی

هنجارگریزی<sup>۱</sup>: تخطی از قواعد حاکم بر زبان

جاندارپنداری<sup>۲</sup>: قائل شدن مشخصه‌ی [ + جاندار ] به آنچه [ - جاندار ] است. بدیهی است که جاندارپنداری به دو مقوله "گیاه‌پنداری" و "حیوان‌پنداری" تقسیم می‌شود.

جانورپنداری<sup>۳</sup>: قائل شدن مشخصه‌ی [ + جانور ] برای آنچه که [ - جانور ] باشد.

---

<sup>1</sup> Deviation

<sup>2</sup> +Animate

<sup>3</sup> +Animal

گیاه‌پنداری<sup>۱</sup>: مقصود از گیاه‌پنداری این است که ویژگی [ + گیاه ] که طبعاً [ + جاندار ] است به [ - گیاه ] داده شود و آن واژه با واژگان دیگر جایگاه واژه‌ای با مشخصات معنایی [ + گیاه ] را اشغال کند.

حیوان‌پنداری<sup>۲</sup>: واژه‌هایی که دارای مشخصه‌های معنایی [ + جاندار ]، [ - گیاه ] هستند، با مشخصه‌ی [ + حیوان ] نشان داده می‌شوند. حیوان‌پنداری خود شامل " جانورپنداری " و " انسان‌پنداری " است.

انسان‌پنداری<sup>۳</sup>: یکی از انواع حیوان‌پنداری است. دادن ویژگی [ + انسان ] به واژه‌ای که مشخصه‌ی [ - انسان ] دارد ( سجودی، ۱۳۷۷ ص ۴۶).

---

<sup>1</sup> +Plant

<sup>2</sup> +Animal

<sup>3</sup> +Human

# فصل دوم

## پیشینه‌ی تاریخی تحقیق

تعریف ادبیات کودکان با تعریف ادبیات به معنای کلی تفاوتی ندارد، اما تفاوت میان نیازها و امکانات کودکان با بزرگسالان موجب می‌گردد که از ادبیات کودکان انتظار بیشتری وجود داشته باشد چرا که برای انسانی کم‌تجربه به وجود می‌آید، لذا می‌بایست عالی‌تر و سازنده‌تر باشد.

این تفاوت‌ها عبارتند از:

(الف) محدود بودن تجربه‌ی کودکان (از نظر نوع، وسعت و میزان تجربه)

(ب) محدود بودن زمان دقت (کودکان نمی‌توانند از نظر فکری مدت زیادی در امری مثل خواندن داستان دقت کنند)

(ج) ناتوان بودن در دریافت رویدادهای مختلف در یک زمان

این محدودیت‌ها با بزرگتر شدن کودک کاهش می‌یابند و ادبیات مورد استفاده او به ادبیات بزرگسالان نزدیک‌تر می‌شود. با توجه به این محدودیت‌ها و نیازهایی که کودکان در سنین مختلف دارند، شاید بتوان این تعریف را پذیرفت که «هر آنچه خارج از برنامه درسی و آموزش مستقیم، هنرمندانه نوشته و تنظیم شود، ادبیات کودکان خوانده می‌شود» (غفاری، ۱۳۸۷ ص ۱۵).

به نوعی می‌توان هستی را به دو عالم متفاوت تقسیم کرد. عالم بزرگ و بی‌انتهای حقایق و معانی و عالم کوچک و محدود واژه و لغات و کلمات. به عبارتی دیگر حقایق هستی دو بعد دارند. بعد جسمی و بعد روحی و معنوی که بعد جسمی آنها که ناقص و کوچک و محدود است، همان واژه است و بعد معنوی آنها که بسیار وسیع و بی‌انتهاست، همان معنا است. واژه جسم است و معنا، روح. واژه نقطه است و معنا فضایی بی‌نهایت. انسان‌ها برای نشان دادن و انتقال معانی و ارتباط برقرار کردن، واژه‌ها را اختراع کردند تا نماد و سنبلی برای آن حقایق باشند. زیرا حقایق و معانی بعد فیزیکی ندارند تا بتوان آنها را منتقل کرد یا نشان داد. ما انسانها تنها از طریق گفتن و شنیدن و خواندن و در واقع به وسیله کلمات و لغات می‌توانیم با دیگران و دنیایمان ارتباط برقرار کنیم و تنها به وسیله همین واژه‌ها و خواندن و شنیدن هم، درس‌ها و آموزش‌های مختلف زندگی را فرا می‌گیریم. اما در حقیقت این واژه‌ها نیستند که اهمیت دارند و اصل هستند، بلکه هدف و اصل همان معانی هستند و این نقص

همیشه در دنیای ما وجود دارد که با ارتباط برقرار کردن به وسیله کلمات تنها می‌توان جسم و ظاهر را نشان داد اما نمی‌توان روح و باطن را به درستی انتقال داد. بر این اساس واژه‌هایی که در کتاب‌ها اعم از داستانی و غیرداستانی به کار برده می‌شوند باید در متن<sup>۱</sup> بررسی شوند تا معنای واقعی آنها دریافت شود. <http://daneshnameh.roshd.ir>

## مبانی نظری

### ۱-۲ زبان‌شناسی چیست؟

زبان‌شناسی علمی است که به مطالعه و بررسی سیستماتیک زبان می‌پردازد. در واقع زبان‌شناسی می‌کوشد تا به پرسش‌هایی بنیادین همچون (( زبان چیست ؟ ))، (( زبان چگونه عمل می‌کند و از چه ساخت‌هایی تشکیل شده است ؟ ))، (( انسان‌ها چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند ؟ ))، (( زبان آدمی با سامانه ارتباطی دیگر جانوران چه تفاوتی دارد ؟ ))، (( کودک چگونه سخن گفتن می‌آموزد ؟ ))، (( زبان بشر چگونه تکامل یافته است ؟ ))، (( زبان‌ها چه رقابتی با یکدیگر دارند ؟ ))، (( ویژگی‌های مشترک زبان‌های جهان کدامند ؟ ))، (( انسان چگونه می‌نویسد و از چه راهی زبان نوشتاری را تحلیل می‌کند ؟ ))، (( چرا زبان‌ها دگرگون می‌شوند ؟ )) و... پاسخ گوید.

زبان‌شناسی به مفهوم جدید آن علمی نسبتاً نوپا بوده که قدمتی تقریباً یک‌صد ساله دارد، اما مطالعات تخصصی درباره‌ی زبان به چند قرن پیش از میلاد باز می‌گردد، یعنی زمانی که پانینی قواعدی برای زبان سانسکریت تدوین کرد. در زبان‌شناسی، ابعاد مختلف زبان در قالب حوزه‌های

---

<sup>1</sup> Context

صرف<sup>۱</sup>، نحو<sup>۲</sup>، آواشناسی<sup>۳</sup>، واج‌شناسی<sup>۴</sup>، معناشناسی<sup>۵</sup>، کاربردشناسی<sup>۶</sup>، تحلیل گفتمان<sup>۷</sup>، زبان‌شناسی تاریخی- تطبیقی<sup>۸</sup>، رده‌شناسی<sup>۹</sup> و نیز حوزه‌های بینارشته‌ای مانند جامعه‌شناسی زبان<sup>۱۰</sup>، روانشناسی زبان<sup>۱۱</sup>، عصب‌شناسی زبان<sup>۱۲</sup>، زبان‌شناسی قضایی<sup>۱۳</sup>، زبان‌شناسی بالینی<sup>۱۴</sup> و زبان و منطق<sup>۱۵</sup> بررسی می‌شوند. از آنجا که زبان یک پدیده پیچیده انسانی و اجتماعی‌ست، برای مطالعه جامع و دقیق آن، بهره‌گیری از علوم مرتبط دیگر الزامی به نظر می‌رسد. در واقع، مطالعه فراگیر زبان، رویکردی چندبعدی را می‌طلبد. بنابراین، زبان‌شناسی علاوه بر مطالعه جنبه‌های توصیفی و نظری زبان به ابعاد کاربردشناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی<sup>۱۶</sup>، اجتماعی، هنری، ادبی، فلسفی و نشانه‌شناسی<sup>۱۷</sup> زبان توجه می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت زبان‌شناسی معاصر، حوزه‌های مطالعاتی بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود که توجه دانش پژوهان و دانشمندان گوناگونی را با ذائقه‌های علمی متنوعی به خود جلب نموده است. در همین راستا، مطالعاتی مانند رابطه و تعامل بین زبان و ذهن، زبان و شناخت،

---

1. Morphology

2. Syntax

3. Phonetics

4. Phonology

5. Semantics

6. Pragmatics

7. Discourse Analysis

8. Comparative-Historical Linguistics

9. Typology

10. Sociolinguistics

11. Psycholinguistics

12. Neurolinguistics

13. Forensic Linguistics

14. Clinical Linguistics

15. Logic and Language

16. Anthropology

17. Semiology

زبان و رویکردهای فلسفی، زبان و قوه‌ی تعقل، زبان و منطق، دانش ذاتی، یادگیری زبان اول، کاربرد زبان و محیط زیست، زبان و قانون، زبان و هوش مصنوعی، زبان و فرهنگ، زبان و جامعه، زبان و تکامل انسان، زبان و سیاست، زبان و تفکر و دیگر نشانه‌های ارتباطی می‌توانند زیر مجموعه‌های رشته‌ی زبان‌شناسی تلقی شوند.

کسی را که به بررسی‌های زبان‌شناختی می‌پردازد، «زبان‌شناس» می‌نامند. برخلاف تصور عمومی، لزومی ندارد زبان‌شناس به چندین زبان تسلط داشته باشد. مهم آن است که بتواند پدیده‌های زبان‌شناختی همچون واژه، هجا، گروه نحوی و معنا را کندوکاو نماید و بازبشکافد. نکته دیگر آنکه کار زبان‌شناس همچون سایر کسانی که با علم سر و کار دارند، تجویز<sup>۱</sup> نیست، بلکه توصیف<sup>۲</sup> است. <http://fa.wikipedia.org>.

## ۲-۲ ارتباط از طریق زبان

برای برقراری ارتباط میتوان از دو صورت زبانی استفاده نمود. یکی صورت نوشتار و دیگری صورت گفتار. اگر ارتباط زبانی به صورت گفتار باشد ماده‌ی اولیه‌ی آن صدا و اگر به صورت نوشتار به کار رود ماده‌ی اولیه‌ی آن نشانه‌هایی است دیداری (باطنی، ۱۳۴۸ ص ۴).

از طرفی می‌توان صورت نوشتار را زبان کتبی و صورت گفتار را زبان شفاهی دانست که گاه در قالب لهجه‌های گوناگون و گاه در قالب کاربرد فرد در بیان شفاهی به کار برده می‌شود. زبان شفاهی از نظر پیام‌رسانی در مقایسه با زبان مکتوب دارای تنوع بیشتری است زیرا فرد بسته به نوع گفتاری که به کار می‌بندد می‌تواند لحن گفتار و طرز بیان خود را نیز با استفاده از حالات مختلفی همانند بلندی صدا، تغییر در آهنگ کلام و سرعت گفتار، به کارگیری واژگان و ساختارهای نحوی متفاوت، تغییر دهد و گفتار خود را متنوع سازد.

در هر جامعه‌ی زبانی اعضای آن جامعه الگوهای متفاوتی چه از نوع الگوهای رفتاری زبانی و چه از نوع الگوهای رفتاری غیر زبانی را دارا می‌باشد. رفتار زبانی انسان الگویی ثابت و یکنواخت نداشته و در

---

<sup>1</sup>. Prescriptive

<sup>2</sup>. Descriptive

طول زندگی و در سنین متفاوت و مراحل سنی مختلف متغیر است به طوری که کودک در سال‌های اولیه‌ی زندگی، قواعد و واژگان پایه‌ی زبانی را می‌آموزد و پس از آن در مراحل سنی مختلف دانش خود را افزایش می‌دهد. بنابراین در هر دوره‌ی سنی دانش زبانی متفاوتی را داراست. از دیدگاهی دیگر، همان کودک در مراحل سنی متفاوت با وجود آنکه از الگوی زبانی بزرگسالان خود استفاده می‌نماید اما رفتار زبانی متفاوت با آنان یا به عبارتی نسل قبل را دارد و نوعی نوآوری در رفتار زبانی وی دیده می‌شود. به همین دلیل است که زبان همواره ثابت نبوده و دائم در حال تغییر و تحول است و در هر زبانی می‌توان تنوع و گوناگونی‌هایی را مشاهده نمود که عامل سن در تنوع آن بی‌تأثیر نمی‌باشد (مدرسی، ۱۳۶۸ صص ۱۹۷-۱۳۹).

## ۲-۳ مبانی ساختگرایی

فردینان دو سوسور<sup>۱</sup>، زبان‌شناس سوئیسی را پدر زبان‌شناسی نوین دانسته‌اند. وی تأثیر به‌سزایی بر نظریه‌ی ادبی در قرن بیستم داشته است (سجودی، ۱۳۷۷ ص ۲۱۲).

"ساختگرایی سوسوری" که آن را "زبان‌شناسی ساختگرا"<sup>۲</sup> می‌نامند با انتشار کتاب "دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی" وی بارور شد (صفوی، ۱۳۸۲ ص ۲۲). در اینجا به شرح نظریه‌های سوسور خواهیم پرداخت:

## ۲-۳-۱ مطالعات همزمانی و درزمانی

سوسور معتقد بود که زبان‌شناسی باید از بررسی درزمانی<sup>۳</sup> زبان، یعنی بررسی چگونگی تحولات تاریخی زبان فراتر رود و به بررسی‌های همزمانی<sup>۴</sup> بپردازد. بعضی‌ها زبان را در حکم نظامی تلقی می‌کنند که در یک سطح زمانی عمل می‌کند (سجودی، ۱۳۷۷ ص ۲۱۲).

---

<sup>1</sup>. Ferdinand de Saussure

<sup>2</sup>. Structural Linguistics

<sup>3</sup>. Diachronic

<sup>4</sup>. Synchronic

## ۲-۳-۲ زبان و گفتار

یکی دیگر از مفاهیم بنیادی که سوسور در کتاب خود مطرح نموده تمایز میان زبان و گفتار<sup>۱</sup> بوده است. او زبان را به دو سطح " زبان " یعنی آن نظام زیرساختی که ناظر بر کارکردن زبان است و " گفتار " یعنی زبان آن گونه که در واقع و در عمل به کار می‌رود تقسیم کرد. ارتباط طرح تمایز حاضر با بررسی زبان‌شناختی ادبیات در این است که آنچه محور اینگونه بررسی‌ها قرار می‌گیرد، گفتار، یعنی تجلی مادی زبان است (داوودی، ۱۳۸۶ ص ۳۷).

## ۲-۳-۳ نشانه‌ی زبانی<sup>۲</sup>

نشانه‌های زبانی در تقابل<sup>۳</sup> با یکدیگر معنا پیدا می‌کند، یعنی معنایشان را از تمایزی که نسبت به هم دارند می‌یابند و نه از ذات و جوهر خودشان ( کریستال<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹ ص ۴۷ ).

لازم به ذکر است که آن گروه از زبان‌شناسانی که ادبیات را از دیدگاه ساختگرایی بررسی کرده‌اند توجه خود را صرفاً به صورت یا ساختار صوری نشانه‌های زبانی متن معطوف داشته‌اند (قادری، ۱۳۷۱ ص ۳).

به اعتقاد سوسور، زبان نظامی از نشانه‌ها<sup>۵</sup> است. از نظر او نشانه رابطه‌ی ذهنی و انتزاعی میان تصور صوتی<sup>۶</sup> و مفهوم<sup>۷</sup> آن صورت است. وی تصور صوتی را " دال<sup>۸</sup> " و مفهوم حاصل از آن را " مدلول<sup>۹</sup> "

---

<sup>1</sup>. Langue and Parol

<sup>2</sup>. Semiotics

<sup>3</sup>. Contrast

<sup>4</sup>. David Crystal

<sup>5</sup>. Signs

<sup>6</sup>. Sound Image

<sup>7</sup>. Concept

<sup>8</sup>. Signifier

مدلول<sup>۱</sup> " و نشانه‌ی زبانی، یعنی رابطه‌ی ذهنی میان دال و مدلول را در زبان اختیاری می‌خواند ( صفوی، ۱۳۸۲ ص ۴۷ ).

## ۲-۳-۴ رابطه‌ی همنشینی و جانشینی

سوسور رابطه‌ی میان عناصر زبانی را در دو گروه همنشینی<sup>۲</sup> و جانشینی<sup>۳</sup> طبقه‌بندی کرد. به عقیده‌ی عقیده‌ی او روابط همنشینی مبتنی بر ترکیب<sup>۴</sup> و رابطه جانشینی مبتنی بر گزینش<sup>۵</sup> است (یاکوبسن، ۱۹۶۰، ص ۲۱). رابطه‌ی همنشینی، پیوند عناصر را در زنجیره و جملات توجیه می‌کند. در حالیکه جانشینی، ارتباط عناصر را با جانشین‌های آنها توصیف می‌کند. حوزه‌ی عملکرد این دو رابطه تمام لایه‌های زبان است (کریستال، ۱۹۸۹ ص ۴۰۷). ارتباط طرح تمایز بین همنشینی و جانشینی با بررسی زبان‌شناختی ادبیات را می‌توان با توجه به ویژگی ذاتی زبان ادب از دیدگاه یاکوبسن و تعریف توازن<sup>۶</sup> و هنجارگریزی از دیدگاه لیچ<sup>۷</sup> توجیه کرد. به اعتقاد یاکوبسن شیوه‌ی انتخاب یک واژه از میان میان واژه‌های کم و بیش معادل یکدیگر بر روی محور جانشینی و چگونگی همنشینی آنها بر روی محور همنشینی می‌تواند در تغییر نقش زبانی<sup>۸</sup> جملات تأثیرگذار باشد. این تأثیر مستقیماً در ساخت پیام اعمال می‌شود و جهت‌گیری را به سوی خود پیام سوق می‌دهد ( صفوی، ۱۳۸۲ ص ۴۰ ). به اعتقاد لیچ، توازن<sup>۹</sup> بر محور همنشینی و هنجارگریزی بر محور جانشینی به وقوع می‌پیوندد ( داوودی، ۱۳۸۶ ص ۳۹ ).

---

<sup>9</sup>. Signified

<sup>1</sup>. Syntagmatic

<sup>2</sup>. Paradigmatic

<sup>3</sup>. Compounding

<sup>4</sup>. Selection

<sup>5</sup>. Parallelism

<sup>6</sup>. Geoffrey N. Leech

<sup>7</sup>. Linguistic Function

<sup>8</sup>. Parallelism

## ۲-۴ برجسته‌سازی و خودکاری

زبان‌شناسی علمی نوین و پیشرو محسوب می‌شود که از محدوده‌ی شناخت زبان پا را فراتر نهاده و اصول و روش‌های آن امروزه در زمینه‌های علوم انسانی و از جمله ادبیات به کار گرفته می‌شود (قویمی، ۱۳۶۷ ص ۷۷).

از دیدگاه ساختگرایان اثر ادبی پس از تولید به دست نویسنده، فارغ از چند و چون ارتباط و بافت موقعیت معنا می‌یابد (نبوی، ۱۳۷۳ ص ۱۰۵).

خواننده / مخاطب هیچ نقشی در این میان ندارد. زیرا فقط پس از تولید تمام و کمال متن با آن روبه‌رو می‌شود (همان، ص ۷۳). از این رو اثر، محصول کار نویسنده و یک متن بسته است. اما از دیدگاه کاربردگرایان، اثر ادبی در جریان تولید می‌شود و معنایی را انتقال می‌دهد که در جریان ارتباط شکل گرفته است و این فرآیند از کنش متقابل میان بافت موقعیت و کلام نتیجه می‌شود و از این رو متنی که در این فرآیند پدیدار می‌شود، یک متن باز است (همان، ص ۱۰۷).

ساختگرایان روس بر این عقیده‌اند که متن ادبی را در پرتو ساختار صوری آن می‌توان به صورت دقیقی خواند و از این رو هر اثر ادبی برداشت واحد و درستی خواهد داشت. اما خوانشی که شرح حال نویسنده / گوینده و یا برداشتهای خواننده / مخاطب را مد نظر قرار دهد، خوانشی نادرست است که برداشت و درک را مخدوش می‌کند (دیویس / فینگ<sup>۱</sup>، ترجمه لاجوردی، ۱۳۷۴ ص ۱۱).

آقاگلزاده در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناختی پرداخته است. وی اظهار داشته که آثار ادبی مربوط به مقاطع مختلف سنی، ویژگی‌های خاصی را دارا هستند. به عنوان مثال آثار ادبی مربوط به کودکان و نوجوانان بیشتر بر مبنای الگوهای آوایی بنا می‌شود. به عبارتی صورتگرترین آثار ادبی مربوط به کودکان است و هر چه مخاطبین آثار ادبی رو به بزرگسالی پیش بروند، متون ادبی از الگوهای آواشناختی، تهی‌تر و از لحاظ روابط ساخت منطقی انسجام و پیوستگی صوری و معنایی و قاموسی، پیچیده‌تر و غنی‌تر می‌گردند (آقاگلزاده، ۱۳۷۹ ص ۱). از این روی بر اصل اقتصاد در زبان و ادبیات صحبت می‌کند و یکی از دلایل وجود لایه‌های مختلف معنایی از ملموس به غیرملموس و یا بسط معنی از معنای حقیقی به مجازی را رعایت اصل اقتصاد می‌داند. در

۱. Robert Davis / Larry Fink

این مقاله از ویژگی ضریب تعجب نیز سخن گفته شده، یعنی هر چه ضریب تعجب پیامی بالاتر باشد، آن پیام از لحاظ معنایی غنی تر است. آقاگلزاده اظهار می دارد که همه هنجارگریزی‌ها اعم از واژگانی<sup>۱</sup>، نحوی<sup>۲</sup>، آوایی<sup>۳</sup>، نوشتاری<sup>۴</sup>، معنایی<sup>۵</sup>، سبکی و باستان‌گرایی (زمانی)، همگی به منظور ایجاد تقابل است تا بتواند پیامی را برجسته‌تر نماید و با این شیوه ضریب تعجب بالا را در شنونده یا خواننده به وجود آورند. در نتیجه پیام گوش نوازتر و دلچسب‌تر و موثرتر می‌شود (همان، ص ۱۲).

گاهی اوقات مواردی که در گذشته در چهار چوب برجسته‌سازی<sup>۴</sup> مطرح بودند به زبان خودکار راه یافته و برجسته‌سازی خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر فرآیند " خودکارشدگی"<sup>۵</sup> اتفاق می‌افتد که شاید بتوان آن را به عنوان فرآیند سومی در کنار دو فرآیند خودکاری<sup>۶</sup> و برجسته‌سازی در نظر گرفت ( صفوی ، ۱۳۸۲ ص ۴۵).

بنابراین می‌توان گفت فرآیند برجسته‌سازی با گذر از زبان به ادبیات تحقق می‌یابد و عکس آن یعنی استعمال مواردی از ادبیات در زبان خودکار تحت فرآیند خودکارشدگی مطرح می‌گردد.

فرآیند برجسته‌سازی یکی از امکانات تمایز بین زبان ادب در زبان معیار به شمار می‌رود. برجسته‌سازی فرآیندی است که به موجب آن عناصر زبانی برای بیان موضوعی خاص به شیوه‌های غیرمعارف بکار برده می‌شوند و جلب نظر می‌کند. دو گونه برجسته‌سازی هنجارگریزی و قاعده‌افزایی می‌باشند. هنجارگریزی انحرافی خلاق، معنادار، آگاهانه و انگیزنده از هنجارها و قواعد حاکم بر زبان معیار به شمار می‌رود که بر روی سه لایه تحقق صوری، صورت<sup>۷</sup> و معنی‌شناسی عمل می‌کند و این

---

<sup>1</sup>. Lexical Deviation

<sup>2</sup>. Syntactical Deviation

<sup>3</sup>. Semantical Deviation

<sup>4</sup>. Foregrounding

<sup>5</sup>. Re-automatisation

<sup>6</sup>. Automatisation

<sup>7</sup>. Form

عملکرد گونه‌های متفاوتی را به وجود می‌آورد. هنجارگریزی آوایی<sup>۱</sup> و نوشتاری<sup>۲</sup> بر لایه‌ی معنی-شناسی عمل می‌کند. اما حوزه‌ی عملکرد هنجارگریزی گویشی<sup>۳</sup>، سبکی<sup>۴</sup> و هنجارگریزی زمانی<sup>۵</sup>، لایه‌ی بافت است (حاجی میرزا، ۱۳۸۲ ص ۴۹).

حق‌شناس، نثری را که در زبان خودکار به کار می‌رود از نثر ادبی متمایز می‌سازد و بر این اعتقاد است که در نثر ادبی گونه‌های زبان در اختلاط با یکدیگرند (صفوی، ۱۳۸۲ ص ۵۳). وی نمونه‌های متعددی را برای اثبات این دیدگاه به دست می‌دهد و ثابت می‌کند که در نثر ادبی دست کم باید از قاعده‌کاهی یا هنجارگریزی سبکی بهره گرفته شود، زیرا به هر حال هنجارگریزی سبکی چیزی جز همین اختلاف گونه‌های زبان نیست. پس نثر ادبی زمانی از نثر خودکار متمایز می‌شود که دست کم یکی از ابزارهای شعر آفرینی یعنی قاعده‌کاهی یا هنجارگریزی سبکی بر آن اعمال شده باشد (همان، ص ۳۹).

مطالعات زبان‌شناختی ادبیات در دو مسیر تحول یافته است. گروه نخست با توجه به مبانی ساختگرایی سوسوری و دیدگاه صورت‌گرایان و زبان‌شناسان محفل پراگ<sup>۶</sup>، توجه خود را بیشتر به طرح نظری چگونگی تمایز میان زبان ادب و زبان ارتباطی معطوف کردند. گروه دوم با توجه به کاربردشناسی و تحلیل گفتمان به دنبال تفسیر متن‌های ادبی هستند (صفوی، ۱۳۸۲ ص ۱۳۰).

## ۲-۴-۱ ویژگی برجسته‌سازی

از دیدگاه موکاروفسکی نظام‌مندی یا تعادل میان عناصر برجسته و عناصر پس‌زمینه یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته‌سازی است که انسجام اثر را نیز به دنبال می‌آورد (حسن<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹ ص ۷).

---

1. Phonological Deviation

2. Graphological Deviation

3. Dialectal Deviation

4. Deviation of Register

5. Deviation of Historical Period

6. Prague Linguistic School

7. R.Hasan

برجسته‌سازی توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که چه عنصری در مقابل چه چیزی برجسته شده است. یعنی تضادی که به وسیله تقابل ایجاد شده است نیز حائز اهمیت است ( همان، ص ۹۵ ). شفیع کدکنی این ویژگی را تحت عنوان " رسانگی " ذکر می‌کند. شفیع کدکنی شرط آفرینش یک اثر ادبی را رعایت اصل زیبایی‌شناسی می‌داند و معتقد است که برجسته‌سازی نیز باید نوعی حس زیبایی‌شناسی را در مخاطب برانگیزد ( شفیع کدکنی، ۱۳۷۳ ص ۱۲).

به عبارتی وجود پیشینه‌ای منسجم که در برابر آن قسمت‌های برجسته شاخص می‌شوند لازم است و بدون پشتیبانی منسجم، برجسته‌سازی ممکن نیست ( آقاگلزاده، ۱۳۷۹ ص ۷ ).

به هنگام فرآیند برجسته‌سازی محدودیت‌هایی نیز برای آن قائل شده اند. انسجام<sup>۱</sup> در برجسته‌سازی، نظام‌مندی و وجود تضاد معنی دارد. رسانگی<sup>۲</sup>، انگیزش<sup>۳</sup> و زیبایی‌شناسی<sup>۴</sup> در حوزه این محدودیت‌ها قرار می‌گیرند و ویژگی‌های برجسته‌سازی محسوب می‌شوند. به اعتقاد موکاروفسکی<sup>۵</sup> یکی از ویژگی‌های برجسته‌سازی انسجام عناصر برجسته است. منظور از انسجام، باهم‌آیی یا همنشینی عناصری است که در حوزه معنایی واحدی قرار دارند ( فیاض بخش، ۱۳۷۹ ص ۶۶ ).

با هم‌آیی واژه‌های آب / ساحل و شاد / خندان در مثال زیر حاکی از وجود چنین انسجامی است .

آی آدم‌ها که در ساحل نشسته شاد و خندانید

یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان (یوشیج، ۱۳۸۸، ص ۲۱)

از سوی دیگر به اعتقاد لیچ برجسته‌سازی فقط تا آن حد می‌تواند پیش برود که ایجاد ارتباط مختل نشود. به عبارت دیگر پیام گوینده تا حد ممکن قابل درک باشد و مخاطب نیز، تا حد ممکن پیام را دریابد ( صفوی، ۱۳۸۲ ص ۴۳ ).

---

<sup>1</sup>. Cohesion

<sup>2</sup>. Communicativity

<sup>3</sup>. Motivity

<sup>4</sup>. Aesthetic

<sup>5</sup>. Mukarovasky

هالیدی<sup>۱</sup> انگیزش را ویژگی برجسته‌سازی می‌داند. به اعتقاد او، برجسته‌سازی زمانی بروز می‌دهد که عنصر زبانی برای منظوری خاص و به قصد بیان معین برجسته شده باشد (داوودی، ۱۳۸۶ ص ۴۹).

## ۲-۴-۲ گونه‌های برجسته‌سازی

لیچ پس از طرح فرآیند برجسته‌سازی به دو گونه از این فرآیند یعنی قاعده‌افزایی و هنجارگریزی، توجه نشان می‌دهد (لیچ، ۱۹۶۹ صص ۵۹-۵۶). هنجارگریزی ابزار شعرآفرینی و قاعده‌افزایی و نتیجه‌ی حاصل از آن یعنی توازن، اسباب نظم‌آفرینی است (سجودی، ۱۳۷۶ ص ۴۷۹).

همانطور که گفته شد برجسته‌سازی بر بنیاد "تقابل در برابر هنجارها" یا به عبارتی انحراف از مؤلفه‌های هنجار زبان است (صفوی، ۱۳۸۲ ص ۳۴) و صورت‌گرایان فرآیند برجسته‌سازی را عامل به وجود آوردن زبان ادب می‌دانند. به اعتقاد لیچ برجسته‌سازی به دو شکل امکان‌پذیر است. نخست آنکه نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار انحراف صورت پذیرد و دوم آنکه قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود و به این طریق برجسته‌سازی از طریق دو شیوه‌ی هنجارگریزی و قاعده‌افزایی<sup>۲</sup> تجلی خواهد یافت (صفوی، ۱۳۸۲ ص ۴۰).

به طور خلاصه، هنجارگریزی در کل انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار است. هر چند منظور از آن، هر گونه انحراف از قواعد زبان هنجار نیست زیرا گروهی از این انحرافات تنها به ساختی غیردستوری منجر می‌شود و خلاقیت هنری به شمار نخواهد رفت (صفوی، ۱۳۸۲ ص ۴۴).

## ۲-۴-۳ لیچ و برجسته‌سازی

لیچ معتقد است که برجسته‌سازی به دو طریق امکان تحقق می‌یابد: یکی هنجارگریزی که همان تخطی از قواعد حاکم بر هنجار زبان است و دیگری، قاعده‌افزایی که افزودن قواعدی است بر قواعد زبان هنجار (لیچ، ۱۹۶۹ صص ۵۷-۵۶).

---

<sup>1</sup> Michael Halliday

<sup>2</sup> Extra Regularity